



ائتلاف اصلاح طلبان در گفت و گو با محمد عطریانفر

رقابت پولاریزه

محمد رضا نسب عبد اللهی

■ آقای عطریانفر، تا پیش از انتخابات سومین دوره شوراها غبار ناامیدی بر اردوی اصلاح طلبان حاکم بود. با برگزاری انتخابات شوراها و موفقیت نسبی این جریان، به نظر می آید که گروه‌های اصلاح طلب به آینده نگاه امیدوارانه‌ای پیدا کرده‌اند. از دیدگاه شما استراتژی این جریان برای آینده چه می تواند باشد؟

ما بیشتر از آنکه ذهن مان را به طرف گروه‌هایی که به نام جریان اصلاح طلبی شناخته می شوند معطوف نماییم، باید به خود موضوع اندیشه اصلاح طلبی در ایران توجه کنیم. تا جایی که بنده از فضای عمومی کشور دریافت می کنم، جریان و اندیشه اصلاح طلبی یک جریان پویا، زنده و به مقتضای حال و مناسبات و نیازهای زمانه جمهوری اسلامی است. اصلاح طلبی اندیشه‌ای است که دقیقاً در متن انقلاب ما جایگاه و پایگاه دارد و روز به روز زاویه عملکرد خودش را منطبق بر بهترین رفتارها و روش‌ها باید تنظیم کند و کشور را متناسب با فرآیند رفم و اصلاح، مدیریت کند و پیش ببرد. این نکته که به آن اشاره کردم دقیقاً بعد از جنگ آغاز شد. با روی کار آمدن دولت سازندگی، جریان اصلاحات و رفم اجتماعی صورت گرفت و زاویه نگاه دیدگاه‌ها و توجه به مباحث فرهنگی، توسعه اقتصادی، تغییر الگوی مصرف، برنامه ریزی برای جوانان و خانواده‌ها و NGOها و بسیاری از سرفصل‌هایی که در حوزه اصلاحات و در

تا قبل از برگزاری انتخابات سومین دوره شوراها، اصلاح طلبان در شوک ناشی از انتخابات ریاست جمهوری نهم، سیاست سکوت را در پیش گرفته بودند. با برگزاری انتخابات شوراها و پیروزی نسبی گروه‌هایی که زیر عنوان «جبهه اصلاحات» قرار می گیرند، انگار خون تازه‌ای به این جریان تزریق شد. از همین رو بود که اصلاح طلبان از فردای ۲۴ آذر، بازگشت به کرسی‌های بهارستان را دور از انتظار نمی دانستند. تلاش این گروه‌ها در جهت حفظ ائتلاف شکل گرفته در انتخابات شوراها را در همین راستا می توان ارزیابی کرد. آنچه که محمد عطریانفر نیز از آن به عنوان یک پایلوت و تجربه مقدماتی موفقیت آمیز نام می برد و خواستار رعایت آن می شود.

سنتی گذشته تغییر پیدا کرده، می توانند پیروزی قابل توجهی را به دست بیاورند. حالا در گذشته این صورت بندی پیروزی در چهره های مشخصی نمایان می شد اما در دوره های آینده می تواند این صورت بندی با چهره دیگری مطرح باشد؛ چهره های جوان تری که حساسیت نسبت به آنها کمتر است.

■ دستیابی به این مهم نیازمند چه استراتژی است؟ اگر این توفیق را بخواهیم به صحت قرین کنیم باید بپذیریم که رفتار ائتلافی خود و کنار گذاشتن اختلافات جزئی را حتماً در دستور کار قرار بدهیم و عملکردی را که در انتخابات شورای سوم و خبرنگاران رهبری چهارم داشتیم و به عنوان یک پایلوت و تجربه مقدماتی از سر گذراندیم و موفقیت آمیز بود، رعایت کنیم. باید با قوت بیشتری هم از شخصیت‌ها و هم از توانمندی احزاب به بهترین وجه بهره بگیریم تا پیروزی مناسبی را در انتخابات آینده به دست آوریم. هر چند که شورای نگهبان رد صلاحیت کند؛ هر چند که رقیب تخریب کند؛ هر چند که آنها در مقام به دست آوردن کرسی قدرت و پایداری قدرت در کرسی‌های حکومتی از هیچ تخریبی فروگذار نکنند؛ ولی باز پیش بینی من این است که توفیق مناسبی را اصلاح طلبان کسب خواهند کرد.

■ به نظر می آید توفیق اصلاح طلبان با توجه به آنکه اصولگرایان در انتخابات اخیر نشان دادند که در سهم شدن قدرت با مشکلات درون گروهی مواجه هستند، دور از انتظار نیست.

معمولاً در رقابت‌های انتخاباتی دو عامل به کمک رقبا می آید؛ یکی اقداماتی اثباتی و دیگری هم ضعف رقیب. اگر رقیب در میدان رقابت از خود ناتوانی و نا کار آمدی نشان بدهد، این ضعف از ناحیه رقیب می تواند سکوی پرش و موفقیت برای رقیب مقابل باشد. از این جهت اگر اصولگرایان در یک رقابت تمام عیار دچار نوعی تفرقه و آشفتگی باشند، طبیعتاً این به سود اصلاح طلبان است اما بنده شخصاً قایل به این هستم که معمولاً در رقابت‌های انتخاباتی ما باید بیشتر بر مکانیزم رفتارهای اثباتی متکی باشیم و خودمان را باید از رفتارهای سلبی معاف بداریم. از این بابت فکر می کنم بسیار زیست که گروه‌های رقیبی که در برابر هم صف آرایی می کنند با نوعی یکپارچگی و ائتلاف تمام عیار در درون جبهه خودشان، در برابر رقیب بایستند و در صحنه ظاهر شوند. در واقع می خواهم به اصولگرایان توصیه کنم که حتماً به سمت همدلی و همزیستی حرکت کنند و اصلاح طلبانی که عمق اصلاح طلبی را در کمر می کنند، قایل به این نیستند که بخواهند از اختلاف اصولگرایان برای خود پیروزی رقم بزنند. اصولگرایان باید با تکیه بر نوعی عقلانیت و رفتار اعتدالی در یک پیوند کاملاً تعریف شده، در صحنه به صورت یکپارچه ظاهر بشوند و اصلاح طلبان نیز همین طور و با هم نوعی رقابت اثباتی را در برابر داوری مردم به نمایش بگذارند. این بهترین روشی است که می توانیم رقابت را شرافتمندانه قلمداد کنیم. ما توصیه نمی کنیم اصلاح طلبان از آشفتگی، به هم خوردگی تعادل سیاسی و اختلافات رقیب بهره بگیرند. حتی در انتخابات اخیر هم بنده توصیه‌ام این بود که اگر چنانچه اصولگرایان در یک اتفاق آرا و اتحاد کامل حضور پیدا کنند، اتفاقاً رقابت‌ها بسیار زیباتر، شرافتمندانه‌تر، واقعی‌تر و اصولی‌تر شکل می گیرد.

اگر اتحاد در هر دو جبهه به صورت یکپارچه صورت بگیرد، نظام رقابتی ما پولاریزه و دو قطبی می شود و در این «منازعات مسالمت آمیز دو قطبی» در بین دو گروه، حقیقت به قدرت می رسد.

حوزه توسعه جامعه مدنی به آن توجه می شود، در دستور کار دولت بعد از جنگ قرار گرفت.

به هر حال این مسیر و این روند خوشبختانه ۱۶ سال دوام آورد و تا پایان سال گذشته بر اثر اتفاقاتی که رخ داد، دچار نوعی بن بست و سیاست‌های تضییقی شد.

با روی کار آمدن دولت جدید، به نظر آمد که دوره اصلاحات در ایران پایان یافته است. من می خواهم تاکید کنم به هیچ عنوان اینگونه نیست. ما جریان اصلاحات را فراتر از دولت‌ها می دانیم. جریان اصلاحات در میان ملت ما فراتر از دولت هاشمی و خاتمی است. حتی دولتی مثل دولت آقای احمدی نژاد هم نه کفایت این را دارد و نه در توان او هست که بتواند در برابر اصلاحات بایستد و مقابله کند؛ چون که اصلاح طلبی خواست ملت ایران است و دولت‌هایی که بخواهند در برابر خواست مردم ایستادگی کنند، قطعاً منجر به شکست خواهند شد. بر این اساس تاکید می کنم که اصلاحات در ایران زنده است و اصلاح طلبی نمرده. اصلاح طلبانی که در گذشته این اندیشه را نمایندگی می کردند با توجه به فشارها، بعضاً می توانستند ناامید و یا امیدوار باشند. انتخابات شوراها و مجلس خبرگان را که پشت سر گذاشتیم، نشان داد که اگر اصلاح طلبان در برابر فراز و نشیب روزگار و فشارهای نیروهای رقیب و بنیادگراها از خود مقاومت نشان بدهند و عاقلانه حرکت کنند، حتی در بدترین شرایط می توانند پیروزی‌هایی را به دست آورند. پیروزی ۴۰ درصدی اصلاح طلبان در انتخابات شوراها با همه تضییقاتی که وجود داشت، خود نشان و علامت بسیار بزرگی است که اینها می توانند با نگاهی امیدوار به آینده، استراتژی خود را سامان بدهند و پیش ببرند.

■ با توجه به مواردی که مطرح کردید، فکر می کنید مجموعه اصلاح طلبان در حال حاضر توان این را دارند که در مجلس هشتم با توجه به واقعیت‌ها و فشارها، جریان اصلاح طلبی را به خوبی هدایت و رهبری کنند؟

اهمیتی ندارد که اصلاح طلبان یا کسانی که نماد اصلاح طلبی در ایران هستند در مناسبات حقوقی به پیروزی دست یابند. به نظر من این موضوع دارای اهمیت است ولی موضوعی مهمتر نیز وجود دارد و آن موضوع مهمتر این است که کسانی که در روند فعالیت‌های اصلاح طلبی نقش ایفا می کنند، بیش از آنکه به قدرت دل ببندند باید احساس کنند که یک پل اعتماد آمیز بسیار مستحکم بین آنها و جامعه برقرار است. اگر این پل ارتباطی نیرومند و این اعتماد متقابل وجود داشته باشد، به نظر من نیرومندترین دستاورد را کسب کرده‌اند. طبیعی است که برای تحکیم بخشی و تداوم بخشی این پل ارتباطی و اعتماد فیما بین نیازمند کسب مواضع قدرت در حوزه نظام سیاسی هم هستند؛ مثل مجلس، ریاست جمهوری، شوراها و... اما اصلاح طلبان اگر بخواهند این طور فکر کنند که در فرآیند کسب کرسی‌های قدرت بر سر راهشان هیچ مشکلی نیست، این فکر باطلی است. آنها باید خود را برای یک پیروزی آماده کنند و بدانند در برابر آن مقاومت، سیاست‌های تضییقی و رد صلاحیت قرار دارد. لکن چون دارای پشتیبانی مردم و ارتباط اعتماد آمیزی که اشاره کردم هستند، می توانند کاملاً امیدوارانه حضور پیدا کنند؛ هر چند تحت فشار باشند. بر این اساس من قایل به این هستم که حتماً و مسلماً اصلاح طلبان می توانند در مجلس پیروزی نسبی به دست آورند. حتی با صورت بندی جدیدی که در مناسبات سیاسی گروه‌ها رخ داده و مرزها کمی نسبت به رفتار